

معرفی کتاب

# ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی

O ابوالحسن مبین

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد

جریان فقهاتی تشیع اثنی عشری پیدا کردند. با ملاحظه اینکه جامعه ایرانی قبل از سده اخیر، جامعه‌ای از نوع جوامع کشاورزی نسبتاً پیشرفته بود، مؤلف به بررسی ساختار نهاد مذهبی ایران عصر صفوی پرداخته و آن را به چهار مرحله شکل‌گیری و پیدایی، شکوفایی و تثبیت، اوج نهادی شدن و فروپاشی و آشفته‌گی تقسیم کرده و به این نتیجه می‌رسد که «نهاد دینی عصر صفوی برآورنده نیازهای دولت و جامعه بود. این نهاد در روند پیدایی و شکل‌گیری خویش الزاماً با قدرت پیوند یافت.»

با این مقدمه، مؤلف هدف از این پژوهش را روشن ساختن چگونگی ساختار سیاسی صفویان و پیوند و ارتباط آن با ساختار دینی بیان می‌کند. همچنین مشخص کردن کارکردها و درونمایه اندیشه نهاد دینی و چگونگی گرایش‌های فکری این دوران و اینکه هر یک از آنان چه تأثیر اجتماعی و سیاسی داشتند؟ ساختار اقتصادی نهاد دینی، ساختار آموزش دینی و دستاوردهای علمی آن و مسائل دیگری که در همین راستا قابل بررسی است.

اما فرضیه حاکم در این پژوهش «صفوی‌گری» تمام و کمال نهاد دینی ایران به خصوص در سال‌های پایانی فرمانروایی صفویان است. مؤلف روش کار خود را براساس مبانی نظری و شیوه تجزیه و تحلیل متون و منابع این دوره، جهت ارائه پاسخ‌های لازم به پرسش‌های مطرح شده، معرفی می‌نماید.

کتاب ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، (تاریخ تحولات دینی ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری قمری) اثر دکتر منصور صفت گل عضو هیأت علمی دانشگاه تهران می‌باشد که به وسیله مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، در قطع وزیری در ۶۹۲ صفحه در سال ۱۳۸۱ ه. ش. منتشر گردیده است. در این فرصت با توجه به تازگی موضوع و عنوان کتاب به معرفی اجمالی این اثر می‌پردازیم.

مؤلف در دیباچه کتاب به نکته‌ای اساسی در مورد حکومت صفویان اشاره نموده و آن بیان تفاوت بنیادی این سلسله با حکومت‌های قبل از خود در این سرزمین می‌باشد، صفویان برخلاف سلسله‌های سابق تنها با غلبه نیروی نظامی بر ایران مسلط نشدند، بلکه آن چیزی که زمینه حکومت آنان را در سراسر ایران فراهم آورد، مسائل فرهنگی و مذهبی و ادعاهای صفویان در این مورد بود. وی سپس به این نکته توجه می‌کند که حتی قبایل ترکی که رهبران صفوی را در کسب قدرت سیاسی یاری دادند، در زیر چتر معنوی مریدی شیوخ صفوی خانقاه اردبیل قرار داشتند. اگر چه انگیزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز در پیوستن آنها به صفویان نقش داشت.

نویسنده کتاب از دو عنصر نیرومند به عنوان ویژگی‌های مشخص ساختار قدرت صفویان یاد می‌کند. نخست ریشه، خاستگاه و دعای مذهبی خاندان صفوی و دوم ماهیت دینی فرمانروایان صفوی، یعنی گرایشی که آنها در آیین صوفیانه به



O ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی (تاریخ تحولات دینی ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری قمری)  
O تألیف: دکتر منصور صفت گل  
O ناشر: رسا، تهران، ۱۳۸۱، ۶۸۲ ص، ۵۵۰۰۰ ریال  
شابک ۹۴۶-۳۱۷-۴۳۱-X

## نویسنده کتاب از دو عنصر نیرومند به عنوان دو ویژگی مشخص ساختار قدرت صفویان یاد می‌کند: نخست ریشه، خاستگاه و دعاوی مذهبی خاندان صفوی و دوم ماهیت دینی فرمانروایان صفوی، یعنی گرایش که آنها در آیین صوفیانه به جریان فقهی تشیع اثنی عشری پیدا کردند به عقیده نویسنده، نهاد دینی عصر صفوی برآورنده نیازهای دولت و جامعه بود و این نهاد در روند پیدایی و شکل‌گیری خویش الزاماً با قدرت پیوند یافت

دوم تاهنگام فروپاشی دولت صفوی است که در واقع دوره چهار پادشاه صفوی شاه سلیمان ۱۱۰۵-۱۰۷۷، شاه سلطان حسین ۱۱۳۵-۱۱۰۵، شاه تهماسب دوم ۱۱۴۵-۱۱۳۵، شاه عباس سوم ۱۱۴۸-۱۱۴۵ و در نهایت تا تشکیل شورای مغان را در بر می‌گیرد. به عقیده مؤلف اهمیت این دوره تاریخی در اوج‌گیری «صفوی‌گری» در همه ابعاد ساختار جامعه ایرانی است.<sup>۲</sup>

در این فصل نویسنده پس از بررسی زمینه، محدوده سالشماری و ساخت قلمرو و ساختار سیاسی، با ارائه یک دوره بندی سلسله‌ای و

دولت بخشی از کارکرد سیاسی آن را برعهده داشت و به همین دلیل نویسنده از تعبیر «ساختار دیوانی دینی» در این بررسی استفاده کرده است. در این فصل سعی بر پاسخ‌گویی به سؤالاتی نظیر، چرا و چگونه ساختار سیاسی صفویان در ایران شکل گرفت؟ ادوار اساسی آن کدامند؟ در سالهای پایانی فرمانروایی صفویان شرایط عمومی این ساختار سیاسی چه بود؟ و پرسش‌های دیگری از این قبیل است.

تأکید اصلی پژوهش حاضر بر «سال‌های پایانی» یعنی دوران پس از فرمانروایی شاه عباس

کتاب با فهرست مطالب، دیباچه، سیاست‌گذاری و فصل مقدماتی آغاز می‌شود. سپس هرکدام از پنج فصل اصلی کتاب با مقدمه‌ای تحت عنوان «زمینه» شروع و به دنبال آن بحث‌های اصلی مطرح می‌شود.

**فصل مقدماتی: مقدمه‌ای بر منبع‌شناسی تاریخ‌نویسی ساختار دینی ایران عصر صفوی**

در فصل مقدماتی کلیات مسائل مربوط به منابع و متون و پژوهش‌های مورد استفاده در کتاب، با در نظر گرفتن سمت و سوهای پژوهشی مرتبط با ساختار دینی ایران عصر صفوی مطرح شده است. برای این کار در یک چشم‌انداز عمومی، ابتدا یک دسته‌بندی از منابع مورد پژوهش مانند رویدادنگاری‌ها، تک‌نگاری‌ها، آثار علمی، متون دیوانسالاری، تذکره‌ها و تراجم احوال علماء، منابع رجال، متون سفرنامه‌ای، متون فقهی و دین‌شناسانه، اسناد و مدارک آرشیوی، وقف‌نامه‌ها و غیره ارائه شده که براساس آن، روش‌ها و نگرش‌های هر یک از پژوهشگران یا نگرش عمومی حاکم بر هر دسته از آثار مورد بحث، مورد بررسی قرار گرفته است.

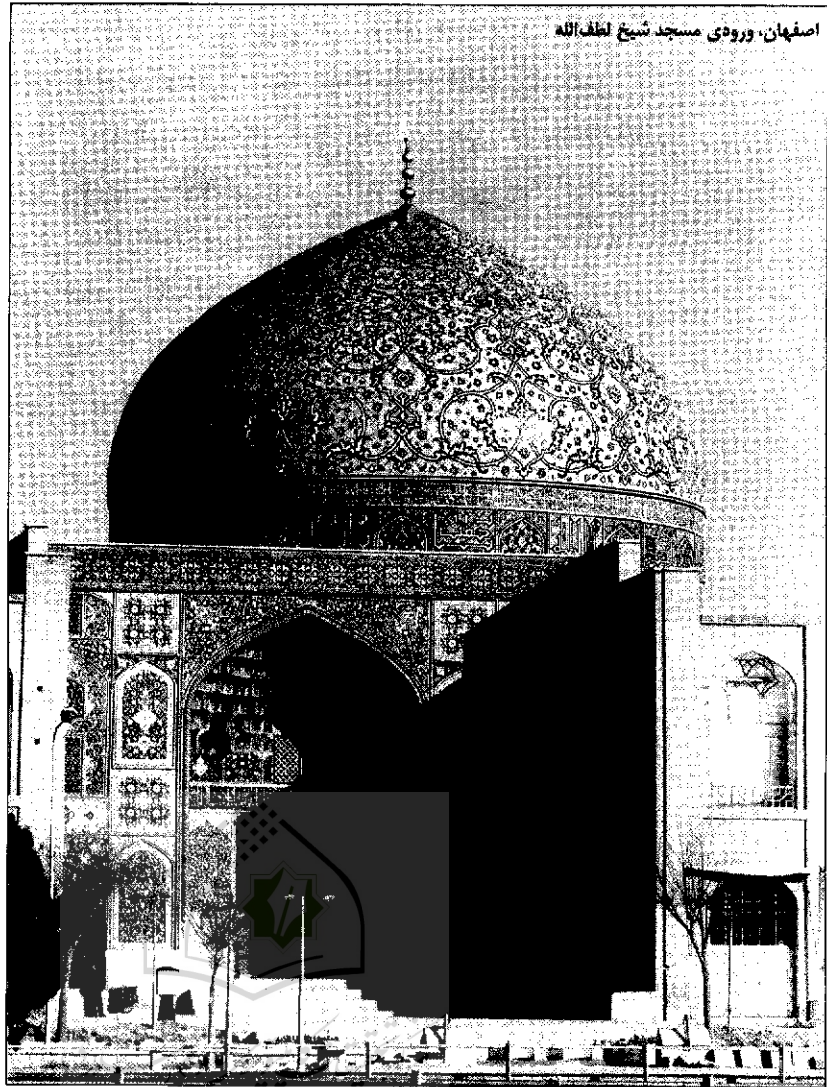
از دیدگاه مؤلف، سرنوشت تاریخ‌نگاری ساختار دینی ایران در عصر صفوی جدای از سرنوشت تاریخ‌نگاری ایرانی در این دوران نیست. با وجود اینکه شمار فراوانی از انواع منابع پژوهشی مربوط به دوران فرمانروایی صفویان باقی مانده، اما موضوع دسترسی به آنها از دشواری‌های پژوهشی دوران مورد نظر است.

### فصل یکم: ساختار سیاسی و اجتماعی

در این فصل ساختار سیاسی و اجتماعی دولت صفوی و روند تحولات آن به ویژه در طی سال‌های پایانی فرمانروایی صفویان مورد بررسی قرار گرفته است. مهمترین موضوع مورد بحث در این فصل، چگونگی شکل‌گیری ساختار سیاسی صفویان در بستر سالشماری به منظور درک بهتر، پیوند آن با تحولات دینی است. زیرا به نظر مؤلف ساختار دینی و سیاسی در این دوران رابطه و پیوندی تنگاتنگ داشته و مضمون جدید دینی که شیوه رسمی دولت صفوی گشته بود، این نزدیکی و پیوند را الزام‌آور می‌کرد. ساختار مذهبی این



طرحی از چهره علامه مجلسی



آن شرایط تأثیر می‌گذاشت یا از آن شرایط تأثیر می‌پذیرفت. در طی این دوره به طور عام ساختار دیوانی دینی کاملاً در دوره تثبیتی سیر می‌کرد. در این بخش همچنین بعضی از ویژگی‌های آخرین پادشاهان سلسله صفوی از جمله برخی اقدامات آنان در جهت اصلاحات اجتماعی، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. دیدگاه نویسنده در این بخش قابل توجه است، به طور مثال وی پس از بررسی‌هایی درباره شخصیت و اقدامات شاه سلطان حسین این فرضیه را مطرح می‌کند که او «احتمالاً پادشاهی خردمند و معتدل بود».

دوره چهارم، فروپاشی: در این بخش بر یک رشته عوامل داخلی که دولت صفوی را در آستانه سقوط و فروپاشی قرار داده بودند، تأکید شده است که از آن میان می‌توان به مواردی چون وجود چند دستگی بین درباریان، ناکامی‌های جنگی، وجود مراکز متعدد قدرت که هر یک در جهت اهداف و منافع خویش عمل می‌کردند، خودسری پاره‌ای از امیران و عوامل مذهبی اشاره کرد. به نظر مؤلف همچنین طی این دوران ساخت متمرکز سیاسی صفویان در هم شکست و به دنبال آن ساختار دینی نیز دچار دگرگونی‌هایی، هم از لحاظ مناصب و هم از لحاظ امتیازات اجتماعی و هم از دیدگاه اندیشه‌های گشت. این دوره پس از سقوط اصفهان به دست افغانان و همگام با سلطنت شاه تهماسب دوم و شاه عباس سوم تا برافتادن نهایی صفویان در شورای معان در سال ۱۱۴۸ هجری ادامه یافت.

#### فصل دوم: چشم انداز فراگیر ساختار دینی

منظور نویسنده از چشم انداز فراگیر ساختار دینی ایران در این دوران، ارائه تصویری از روند عمومی تحولات مربوط به ساختار دینی ایران با تأکید بر سال‌های پایانی فرمانروایی صفویان است. این چشم انداز فراگیر با توجه به زمینه سانشماره‌ای و با در نظر گرفتن دوره‌بندی ساختار سیاسی صفویان، به چهار دوره مشخص تقسیم شده است: دوره یکم، ظهور و شکل‌گیری: اساساً در این پژوهش بیشتر به ساخت دینی از لحاظ چگونگی ارتباط با دودمان حکام پرداخته شده است و دلیل عمده آن این پیش زمینه عنوان شده که بطور کلی از نظر شیعیان، هر حکومتی در غیاب امام (عج)

آشکارترین دستاورد تکاپوهای شاه عباس اول، اقتدار فراوان دولت مرکزی بود. این تمرکز و نهادینه شدن در ابعاد دینی نیز روی داد. در مجموع نویسنده معتقد است که این ساختار دینی نه در شکل دیوانی، بلکه در شکل عام آن به طور عمده در جهت مشروعیت بخشی به این نظام سیاسی عمل می‌کرد.

دوره سوم، ساخت سیاسی، آرامش و انحطاط: چنان که نویسنده نیز متذکر شده، در حقیقت تکیه اصلی خود را بر این دوره و دوره چهارم یعنی عصر فروپاشی اقتدار صفویان گذاشته است. از نظر وی میراث شاه عباس اول در آنچه به قدرت سیاسی و مقام فرمانروا مربوط می‌شد، از یک سو عبارت بود از ظهور قدرت نامحدود فرمانروا در اعمال قدرت بر دیوانسالاری و از سوی دیگر ظهور جانشینانی که پیش از کسب قدرت، تجربه واقعی فرمانروایی و کشورداری برای اداره قلمروی پهنوار را نداشتند.

در این دوره نهاد دینی کاملاً شکل یافته، مرتبط و منسجم شده بود و دعای مشخص اندیشه‌ای داشت و در پیوند با شرایط خاص سیاسی و اجتماعی کارکردهای معینی را ارائه می‌نمود و بر

موضوعی روند تحولات سیاسی صفویان را مورد بررسی قرار داده است. دوره‌های مورد بحث به این ترتیب است:

دوره یکم، برآمدن صفویان، پیدایی و تکوین ساخت سیاسی: از دید مؤلف، دولتی که شاه اسماعیل اول بنا نهاد، از دیدگاه سیاسی ماهیتی تمرکزگرا و از دیدگاه دینی ماهیتی تشیع‌گرا داشت. در این مرحله ساخت جدید قدرت دینی که حاصل تعامل رهبران مذهبی و سیاسی بود، با توجه به سیاست مذهبی ویژه صفویان شکل گرفت. البته این دوران به نوعی، دوران تجربه و آزمایش این ساخت نیز بود. بخشی از شکل‌گیری این مرحله ناشی از تکاپوی عنصر بومی و بخشی دیگر نتیجه فعالیت‌های عناصر بیرونی بود که معمولاً به صورت فعالیت علمای مهاجر بیان می‌گردد.

دوره دوم، اوج ساخت سیاسی: در این دوره آنچه به دست شاه عباس اول انجام گرفت، نهادینه کردن آن رشته از تکاپوهایی بود که از روزگار شاه اسماعیل اول آغاز شده بود. در این مرحله، پیروزی‌های نظامی و نوسازی ساختار دیوانی دولت صفوی پا به پای هم پیش رفتند و

# میراث شاه عباس اول در آنچه به قدرت سیاسی و مقام فرمانروا مربوط می‌شود، از یک سو عبارت بود از ظهور قدرت نامحدود فرمانروا در اعمال قدرت بر دیوانسالاری و از سوی دیگر ظهور جانشینانی که پیش از کسب قدرت، تجربه واقعی فرمانروایی و کشورداری برای اداره قلمروی پهناور را نداشتند

غاصب است و مشروعیت ندارد. این دیدگاه البته حاصل نوعی آرمان گرایی والا قلمداد شده که میان شیعیان از آغاز به اشکال گوناگون رواج یافته بود. این دیدگاه بالطبع، حکومت آرمانی را در تشیع به صورت یک رژیم فراتر از دسترس انسان‌های عادی در آورده و آن را به حوزه فرا تاریخ رانده است. با این حال مؤلف پس از بررسی نظریات شخصیت‌هایی مانند قاضی سعید قمی، حمید عنایت و ایوانف به این نتیجه می‌رسد که در آغاز سده دهم هجری، شیعیان بر اساس آیین اثنی عشری و در قالب یک تشکیلات نو، دوران پر فراز و نشیبی از سر زندگی اندیشه سیاسی و دینی را شروع کردند.<sup>۴</sup>

بخش یکم ظهور و شکل‌گیری، بیشتر در پی پاسخگویی به این سؤال اساسی است که چه زمینه‌هایی بنیادگذاران دولت صفوی را که بیشتر متکی و برخاسته از ساختی صوفیانه بودند، به سوی اعلان تشیع اثنی عشری به عنوان آیین رسمی دولت تازه تأسیس صفوی سوق داد.

طبق نظر مؤلف، نکته قابل توجه در اعلان تشیع از سوی صفویان این است که در آن روزگار این امر به مثابه مقوله‌ای برای ارائه یک الگوی جدید شهریار در جامعه ایرانی مطرح نشد، بلکه صفویان به تدریج از صورت شیخ خانقاه به پادشاه ایران تبدیل شدند.

**محقق کرکی** با در نظر داشتن جنبه‌های پراهمیت شکل‌گیری دولت صفوی و تأسیس آن بر بنیاد تشیع، درصدد استفاده از این زمینه مساعد برای دستیابی به استقرار نهاد تشیع برآمد و همین امر سبب شد تا این رویه از دیدگاه دیگر علمای برجسته مورد مذاقه، پیروی و در پاره‌ای موارد، انتقاد قرار گیرد.

به اعتقاد نویسنده، در مجموع دستاورد نکاپوهای کرکی و معاصران او از سویی بنیان‌نهاد شدن پایه‌های نهاد دینی ایران در شکل جدید آن و از سوی دیگر طرح ملاحظات و مباحث نظری در حوزه‌های گوناگون دینی بود. اگر چه این دوران به نوعی، دوران تجربه و آزمایش این ساخت نیز بود. در سال‌های پس از اسماعیل دوم (۹۸۵) تا روی کار آمدن شاه عباس اول (۹۹۶) ساختار

سیاسی و اجتماعی ایران دورانی از فراز و نشیب را از سر گذراند که به پیروی از آن ساخت دینی نیز دچار تحولاتی گردید. آن رشته اقداماتی که شاه اسماعیل دوم آغاز کرده بود، به کناری گذاشته شد؛ اما در عین حال دشواری‌های جدیدی پدید آمد که بیشتر ریشه در ساختار سیاسی و تحولات آن داشت. روی کار آمدن شاه عباس اول به این دوران پایان داد و ساخت سیاسی و دینی از آن پس در عرصه‌ای تازه به تکاپو ادامه دادند.

دوره دوم: گزار و شکوفایی، اصفهان پایتخت تشیع: از دید مؤلف طی این دوره از یک سو رویه ایجاد وحدت و تمرکز سیاسی از طریق تکاپوهای تبلیغی دینی ادامه یافت و از سوی دیگر ساختار دینی به شیوه‌ای تازه کوشید تا مسائل جدید مطرح شده در این دوره را با مسائل اندیشه‌ای پیوند دهد. نمونه‌هایی از این رویه در اهتمام برای تقویت نمادهای داخلی مذهبی چون بارگاه امام رضا (ع) در مشهد و سرو سامان دادن به اوضاع امامزاده‌ها قابل بررسی است.

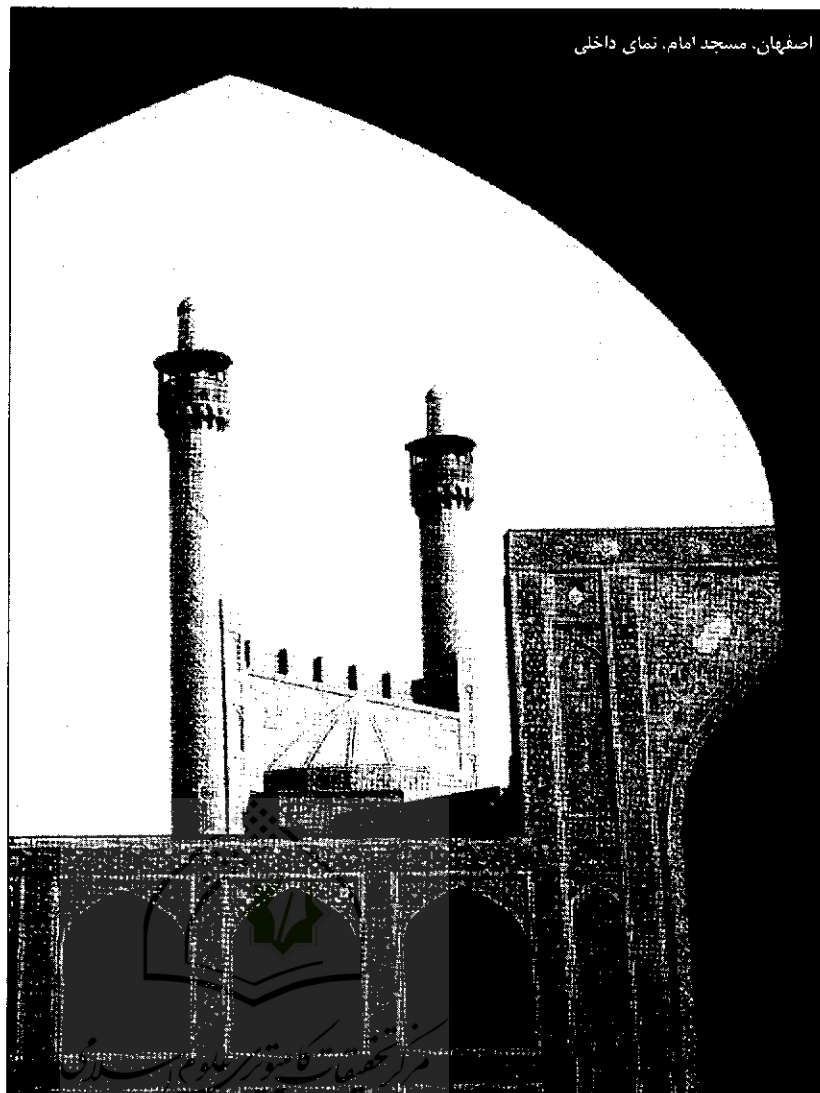
براین مبنا، از دیدگاه دینی روزگار فرمانروایی شاه عباس اول با پدیده‌هایی چون تکامل فقه شیعه، سرکوب گرایش‌هایی از تصوف و گسترش اندیشه فلسفی متمایز می‌گردد. همچنین در این دوران به دلیل ساخت ویژه سیاسی دولت صفوی و حضور فرمانروایی نیرومند چون شاه عباس، گونه‌های تعادل میان ساختار دینی و ساختار سیاسی برقرار بوده است. اما دولت صفوی در این دوران چندان علاقه‌ای به تکاپوهای گروه‌های غالی نداشت و گرایش‌های صوفیانه و صوفیان نیز به خصوص در پیوند با قزلباش‌ها دچار دشواری و سرکوبی شدند.<sup>۵</sup>

چنان که نویسنده ذکر می‌کند در دوره دوم، مناصب دیوانی ساختار نهاد دینی مانند شیخ‌الاسلام، صدر، قاضی، پیش نماز و... تا اندازه‌ای شکل سلسله مراتبی خویش را یافته بودند. از دیدگاه ساختار دینی این دوره، عالمی چون شیخ بهایی اهمیتی ویژه دارد و به تعبیری می‌توان او را «مجدد شیعه در آغاز قرن یازدهم» نامید. از نظر مؤلف، شیخ بهایی ۱۰۳۰-۹۵۲ آخرین نماینده برجسته گروه علمای مهاجر در ایران است که

بالاترین مقام را در ساختار دیوانی دینی یعنی منصب شیخ الاسلامی داشته است. پس از آن در رأس هرم قدرت ساختار دینی، به جای علمای مهاجر، علمای تربیت شده، زیر نظر آنان، یعنی علمای ایرانی قرار گرفتند.

دوره سوم، ساخت تشبیتی: آنچه در این بخش مطرح می‌شود این است که روند تحولی ساختار دینی ایران طی سده دهم و آغازین سال‌های سده یازدهم، همپای تحولات سیاسی و اجتماعی همین روزگار، به طور عمده گرایش به سوی فعال‌تر شدن در حوزه‌های فعالیت سیاسی و اجتماعی را شاهد بوده است. به تعبیر دیگر، نظام سیاسی و ساختار دینی سخت به یکدیگر وابسته شدند و در شکل ساختار دیوانی نهاد دینی، سرنوشت این دو ساختار به هم پیوند خورد و در نتیجه ابعاد گوناگون فعالیت‌های اعضای ساختار دینی شکوفایی تازه‌ای یافت که مهم‌ترین جنبه آن، زمینه تألیف و تنظیم متون شیعی در حوزه‌های گوناگون فقه، فلسفه، کلام، ادبیات، حدیث و تفسیر بود. در عین حال این دوران، ظهور گرایش‌های مختلف فکری و نیز مشخص‌تر شدن خطوط متمایز میان این گرایش‌ها بود که در مواردی به صورت مناظرات جذاب مذهبی در متن اعتقادی تشیع چهره نمود.<sup>۶</sup> در ادامه این بخش وضعیت ساختار دینی در بخش دیوانی و غیر دیوانی و اتکاء آن بر علمای ایرانی در دوره پادشاهان صفوی پس از شاه عباس اول مورد بررسی قرار گرفته است. علمایی نظیر میرمحمد باقر داماد معروف به «میرداماد»، شیخ علی نقی کمره‌ای فراهانی، میرزا قاضی، ملامحسن فیض کاشانی، و سلطان العلماء خلیفه سلطان که در ضمن اینکه از رجال «اهل قلم» بودند، در همان حال از «علماء» نیز به شمار می‌آمدند و در دوره صفوی تا آن زمان، چنین همزمانی جالبی روی نداده بود.

همچنین از فعالیت‌های برخی خاندان‌های علمی چون خاندان ملاصدرا، میرفندرسکی، میرداماد، خوانساری و مجلسی که در تحولات ساختار دیوانی دینی صفویان در این دوره نقش فعال‌تر و حضور چشم‌گیرتری داشتند، در ادامه این بخش بحث شده است.



نمی‌یافت تا بتواند با آسودگی به فعالیت بپردازد. براین اساس، چگونگی پشتیبانی اقتصادی ساختار دینی و نقش ساختار سیاسی در آن، در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد. مؤلف برای بررسی بهتر ساختار اقتصادی دینی در فرمانروایی صفویان و به ویژه در سال‌های پایانی آن، دو حوزه مرتبط با هم را مورد نظر قرار داده است:

۱. ساختار اقتصادی غیر وقفی: نخستین حوزه، بررسی آگاهی‌های موجود دربارهٔ وضع اقتصادی اعضای ساختار دینی به طور منفرد و به ویژه «موجب» و «وظیفه» اعضای ساختار دیوانی دینی است. در عصر صفویان و با گسترش دیوانسالاری صفوی، ساختار دیوانی دینی متشکل از شمار فراوانی از اعضای ساختار دینی بود که در یک نظم سلسله مراتبی از دیدگاه دیوانی قرار داشتند و بنا بر تشکیلات دولت صفوی هر یک منصبی داشته و دارندگان این مناصب، مانند دیگر اعضای دیوانسالاری صفوی از «موجب» سالیانه برخوردار می‌شدند.

صفویان برای پشتیبانی از ساختار دینی، هم با پرداخت‌های نقدی و هم با بخشش زمین (سیورغال) و سایر منابع درآمد غیر پولی از آنان حمایت می‌کردند. از آن گذشته معافیت‌های مختلف مالیاتی، هدایای گاه گاهی، نذورات و تصدقات نیز مطرح بود. نتیجه این کار، استحکام هرچه بیشتر ساختار دینی از دیدگاه اقتصادی شد و گاه همین امر، نشانه‌ای از دنیاگرایی و سبب انتقاد بعضی از اعضای ساختار دینی نسبت به دیگران می‌گشت.

۲. ساختار نهاد وقف: ظهور، روند و کارکردها: حوزه یا بخش دوم، منابع سرشار درآمد موقوفات بود. دوران فرمانروایی صفویان، دوران شکوفایی و رونق موقوفات در اشکال گوناگون آن به شمار می‌رود. صفویان موقوفه دار و ارتزاق کننده از درآمد موقوفات در طی فرمانروایی خویش با ایجاد موقوفات مهم در شهرهای مذهبی نظیر اردبیل، قم و مشهد، نقشی متفاوت از دورهٔ پیش از روی کار آمدن را برعهده گرفتند. یک کارکرد این ساختار وقفی، شکوفایی ساختار آموزشی و علمی دینی بود. همچنین از همین موقوفات، در صورتی که

وقایع اجتماعی و آرمان‌های بلند بیشتر فاصله می‌گرفت. هم در پایتخت و هم در سایر شهرها، گرفتاری‌ها، رقابت‌ها و درگیری‌هایی میان اعضای ساختار دیوانی دینی و دیگر دیوانیان پدید آمد. مناظره‌های علمی، درگیری مشرکان با متصوفه، بحث‌های فقهی اصولی و اخباری و چیرگی گرایش اخباری تا حدودی به این آشفتگی دامن می‌زد. وی معتقد است طی دوره هفت‌ساله حاکمیت افغانان بر بخشی از شهرهای مرکزی ایران، رویه تنزل منزلت ساختار دینی همچنان پی گرفته شد و به نظر می‌آید همچنان که شاه تهماسب دوم پادشاهی آواره شده بود، ساختار دینی همراه او نیز دچار این آوارگی و آشفتگی گشته بود.

فصل سوم: ساختار اقتصادی دینی، نهاد اوقاف

نویسنده در ابتدای این فصل توضیح می‌دهد که باوجود نبود یا کمبود منابع مستند برای انجام چنین پژوهشی به بررسی وضع اقتصادی ساختار دینی در ایران عصر صفوی به ویژه در سال‌های پایانی آن پرداخته است. زیرا از دید وی بنون پشتیبانی جدی اقتصادی، ساختار دینی مجال آن را

به عنوان نمونه نویسنده در مورد خاندان مجلسی این عقیده را ابراز کرده که گسترش و ایرانی شدن مفاهیم شیعی تا اندازه زیادی به دست این خاندان و به ویژه علامه محمدباقر مجلسی صورت گرفته است. از سوی دیگر در دوران فعالیت این خاندان و به ویژه علامه مجلسی بود که ساختار دینی ایران وارد عرصه تازه‌ای از فعالیت‌های خود گشت و آن انتقال از سنت‌های طریقتی صفوی به ساختار کاملاً نهادی شریعتی شیعه بود که نماینده برجسته آن نیز در این دوران خاندان مجلسی بود. دوره چهارم، دوره آشفتگی: در این مرحله ساختار دینی ایران با آزمایش جدیدی روبرو گردید که در پی برافتادن صفویان و سقوط اصفهان مطرح شد و آن در خود فرو رفتن ساختار در این دوران بود. از دید مؤلف مشابه همان عوامل و مسائلی که زمینه را برای برافتادن صفویان آماده ساخت، یک رشته از عوامل درونی و بیرونی، زمینه را برای آشفتگی و از هم پاشیدگی داخلی ساختار دینی ایران آماده کرد. هر چه عمر دولت صفوی به پایان خود نزدیک می‌شد، ساختار دینی با پرداختن به پاره‌ای درگیری‌های داخلی، رفته رفته از متن

# به اعتقاد نویسنده، در مجموع دستاورد تکاپوهای کرکی و معاصران او از سویی بنیان نهاده شدن پایه‌های نهاد دینی ایران در شکل جدید آن و از سوی دیگر طرح ملاحظات و مباحث نظری در حوزه‌های گوناگون دینی بود. اگر چه این دوران به نوعی، دوران تجربه و آزمایش این ساخت نیز بود

اعضای ساختار دینی متولی آن می‌شدند، یک عشر آن را به عنوان حق تولیت دریافت می‌کردند.<sup>۲</sup> مؤلف برای بررسی نهاد وقف در دوران صفوی همانند دو فصل قبل یک تقسیم بندی دوره‌ای انجام داده و طی آن ساختار و کارکرد انواع اوقاف صفوی را از ابتدای روی کار آمدن دولت صفوی تا سقوط این سلسله مورد بررسی قرار داده است و در این بین ویژگی وقف و وقفیات را براساس منابع ارزیابی نموده است.

نتیجه بررسی نویسنده در این فصل به اینجا ختم می‌شود که تحولات ساختار وقف بر سایر جنبه‌های حیات سیاسی و اجتماعی ساختار دینی تأثیر می‌گذاشت و ساختار دینی با توجه به مسأله درآمد موقوفات، در این بخش بیشترین حضور اقتصادی را داشت. علاوه بر آن، بخش قابل توجهی از شکوفایی ساختار دینی در ایران عصر صفوی و به ویژه سال‌های پایانی فرمانروایی این سلسله با ساختار وقف پیوندی تنگاتنگ داشت.

## فصل چهارم: ساختار دیوانی دینی

ساختار دیوانی دینی بخشی از ساختار کلی دیوانسالاری صفوی به شمار می‌رفت که با توجه به ملاحظات سیاسی و اجتماعی و دینی دولت صفوی و کارکردهای ویژه آن، در حوزه دینی، خدمات دیوانی ارائه می‌کرد. این فصل به بررسی و توضیح روند تبدیل ساختار طریقتی اولیه صفویان به ساختار شریعتی و فقهاتی که به تدریج توسط علما طرح‌ریزی شد و تکوین یافت و کارکرد این ساختار شریعتی در متن جامعه صفوی با تأکید بر سال‌های پایانی فرمانروایی صفویان، می‌پردازد.

مؤلف با استفاده از سه منبع پر اهمیت ایرانی تذکره الملوک، دستورالملوک، القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه و دو گزارش سیاحان خارجی، کمپفر و شاردن به بررسی مهم‌ترین مناصب ساختار دیوانی دینی با در نظر داشتن تحولات مربوط به هریک پرداخته است. بدین منظور وی دوباره به نقد نظریه حمید عنایت دریاب دیدگاه «اعتراض به حاکمیت» و «مسأله انتظار» و «آرمانگرایی» در عقاید شیعه پرداخته و به این نتیجه رسیده که اگر چه جنبه نظری اندیشه سیاسی در آموزه تشیع همواره بر رفتار عملی آنان

چیرگی داشته ولی در عمل یک جریان رو به رشد تمایل به کسب قدرت سیاسی در جوامع شیعی و به خصوص تشیع اثنی عشری قابل مشاهده است.<sup>۳</sup> بنابراین ظهور صفویان به معنای پیدایش یک حاکمیت فراگیر و متمرکز بر مبنای اندیشه و جهان‌بینی تشیع اثنی عشری بود که به ظهور یک ساختار سلسله مراتبی که هم در عمل و هم در نظر، وضعی ویژه داشت، انجامید. ظهور و ایجاد منصب ملاباشی‌گری اوج نهادی شدن این ساختار را در آخرین سال‌های فرمانروایی شاه سلطان حسین، نشان می‌دهد.

پیدایی، ساخت و کارکرد مقام ملاباشی: دیدگاه نویسنده در این مورد قابل توجه است. وی با بررسی منابع مختلف و یارد نظریات مینورسکی و لکهارت، پیدایی مقام ملاباشی و ارتباط آن با ایجاد مدرسه چهارباغ اصفهان را به دوران پس از فوت علامه مجلسی در سال ۱۱۱۰ هجری نسبت می‌دهد. طبق این نظریه، علامه محمدباقر مجلسی شیخ الاسلام دوره صفوی هرگز به مقام ملاباشی که از مناصب دوران پایانی حکومت شاه سلطان حسین است، نرسیده بود و کسی که در این منصب قرار گرفت میرمحمدباقر حسینی خاتون آبادی عموزاده نویسنده کتاب وقایع السنین و الاعوام بوده است. مؤلف در ادامه پس از بررسی مسأله انتصاب میرمحمدباقر خاتون آبادی در سال ۱۱۲۴ در مقام «رئیس برکل علما و اشراف و عظاما»، وی را نخستین ملاباشی عهد فرمانروایی شاه سلطان حسین معرفی می‌کند.<sup>۴</sup>

سپس اشاره می‌کند که پس از فوت میرمحمدباقر خاتون آبادی در سال ۱۱۲۷ هجری، ملامحمدحسین فرزند ملاشاه محمد تبریزی به مقام ملاباشی منصوب گردید. این ملاباشی همان کسی است که در درگیری‌های قدرت در آخرین سال‌های حکومت شاه سلطان حسین تا قبل از سقوط اصفهان حضوری جدی داشت.

منصب صدارت، ساخت و کارکرد: بخش بعدی این فصل به منصب صدارت می‌پردازد که از مناصب ریشه دار و کهن ساختار دیوانی ایران بوده و بر خلاف منصب ملاباشی، صدارت و اختیارات آن منصبی نبود که صفویان مبتکر آن باشند. با این

حال در طی دوران فرمانروایی نسبتاً طولانی سلسله صفوی، تحولاتی در محتوی و شکل این مقام روی داد. نویسنده با بررسی این تحولات که به نظر وی بیشتر ناشی از ماهیت دولت صفوی و تحولات کارکردهای مؤسسات وابسته به آن بود، به رد نظر سیوری در رابطه با «جدایی نهاد دینی از نهاد سیاسی» پرداخته و اصولاً این موضوع را قابل طرح نمی‌داند.<sup>۵</sup>

مقام صدر در آغاز تشکیل پادشاهی صفویه، بررسی وظایف آن شامل نظارت بر اوقاف و ریاست به حکومت شرعی، تبدیل صدارت به یک منصب مشترک در زمان پادشاهی شاه تهماسب دوران آرامش آن همپای استقرار و تثبیت و شکوفایی دیوانسالاری در طی فرمانروایی شاه عباس اول، تقسیم مقام صدر براساس قلمرو جغرافیایی به صدر خاصه و صدر عامه یا صدر الممالک در سال ۱۰۱۵ هجری، رد نظریه مشهور تفکیک وظایف و اختیارات صدر خاصه و صدر عامه در دوره شاه سلیمان و تحولات منصب صدارت در دوره شاه سلطان حسین از مباحث مهم مورد بررسی در این بخش است.

به نظر مؤلف، فراز و نشیب‌های منصب صدارت در مجموعه ساختار دیوانی صفویان و در محدوده ساختار دینی دیوانی نشان از اهمیت فوق‌العاده این منصب دارد و در واقع صدارت یکی از مهم‌ترین مناصب ساختار دیوانی دینی محسوب می‌شده است. به طور کلی در گستره شبکه گسترده دیوانسالاری صفویان تمامی آنچه به امور شرعی تعلق می‌گرفت در حوزه اختیارات صدر قرار داشت و این نکته‌ای بود که از چشم ناظران خارجی این دوران نیز پنهان نمانده بود.

منصب شیخ الاسلام، ساخت و کارکرد: این منصب نیز همانند صدارت، دارای پیشینه‌ای کهن در ساختار دیوانی دینی ایران بوده و در دوران حکومت صفویان دچار تحولاتی جدی در ساخت و کارکرد خود شد. به نظر می‌رسد نویسنده کتاب، شاید نخستین بار در دوره صفوی لقب شیخ الاسلام در فرمانی که شاه تهماسب اول درباره محقق کرکی صادر کرده به کار رفته باشد. به نظر می‌رسد شیخ الاسلام‌ها در دوران فرمانروایی



ابوالحسن عاملی اصفهانی صاحب نصاب الملوك و آداب السلوك، علامه محمد باقر مجلسی صاحب رجعت، سید محمد میرلوحی اصفهانی متخلص به نقیبی صاحب کفایة المهتدی فی معرفة المهتدی، محمد شفیق طهرانی صاحب مرآت واردات و محمد یوسف ناجی صاحب رساله در سلطنت.

کنش‌ها و واکنش‌ها، جهت‌گیریهای اندیشه‌ای: این بخش کتاب به موضوع کنش‌ها و واکنش‌های ساختار دینی در حوزه اندیشه فقهی که ریشه در استنباط‌ها و تفسیرهایی داشت که از متون مذهبی ارائه می‌شد، اختصاص دارد. از آنجا که تلاش اندیشه‌ای ساختار دینی، تکاپویی جدا از تکاپوی ساختار سیاسی نبود و بنابراین با زندگی اجتماعی پیوندی تنگاتنگ داشت، به نظر می‌آید تولید اندیشه‌ای این ساختار نیز که بخش عمده آن در حوزه فقه و احکام دینی جلوه گر می‌شد، از رویدادهای سیاسی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرفت.

بررسی دسته‌بندی طریقه فقهی اخباری در برابر گرایش اصولی و آراء متفاوت اندیشمندان و مجتهدان این دو گرایش، در ادامه این بخش مورد بحث قرار گرفته است. از این میان به خصوص دیدگاه محمدامین استرآبادی صاحب فواید المدینه قابل توجه است. او کوشیده تا از راه اخبار به یقین و عمل به یقین که شیوه گذشتگان بود، برسد. دیدگاه ضد خردگرایی و اخباری استرآبادی او را در رویارویی سختی با مجتهدان و فیلسوفانی نظیر علامه حلی، صدرالمآلهین و جلال الدین دوانی قرار داد.

به عقیده مؤلف دیدگاه اخباری گرچه یک ریشه ایمنی داشت ولی از یک سو سخت تحت تأثیر شرایط سیاسی، اجتماعی و تجربه دینی حاصل از یک صد سال تعامل با ساختار سیاسی قرار داشته و از سوی دیگر بر همه این موارد تأثیر گذاشته است. نیز می‌توان آن را به عنوان، منشأ ساختار تشبیتی دینی در سال‌های پایانی حکومت صفویان در نظر گرفت. نکته جالب توجه‌ای که نویسنده به آن اشاره می‌کند این مطلب است که سه شیخ الاسلام برجسته این دوران یعنی شیخ حرّ عاملی، علامه مجلسی و ملا محمد طاهر قمی در

است، سعی شده جهت‌گیری‌های اصلی علمی و فکری و مسائل اساسی مورد بحث در میان اندیشمندان آن روزگار مشخص گردد. به این منظور یک دسته بندی از کارکردهای اندیشه‌ای دینی به ویژه در سال‌های پایانی فرمانروایی صفویان عرضه شده تا حدود و موضوعات اساسی آن روشن‌تر گردد.

ساختار دینی و نظم سیاسی، مساله مشروعیت: سازگاریها و ناسازگاریها: این بخش کتاب به بررسی دیدگاه‌هایی می‌پردازد که از جنبه نظری در سال‌های پایانی فرمانروایی صفویان در حوزه سازگاری و ناسازگاری دیدگاه‌ها، درباره ساختار سیاسی مطرح می‌شده است. برای ورود به این مبحث، مؤلف ابتدا به نقد گزارش شاردن درباره دیدگاه ایرانیان نسبت به حکومت و مساله مشروعیت و نامشروعیت ساختار سیاسی می‌پردازد. آنچه در گزارش شاردن قابل توجه است اشاره او به ساختار سیاسی و مشروعیت آن از دیدگاه نظریه دینی است که ساختار دینی جامعه آن را ارائه می‌کرد. از دید شاردن، سیاح فرانسوی، نظام سیاسی ایران استبدادی‌ترین نظام سیاسی موجود در جهان بود.<sup>۳۳</sup>

در ادامه این مبحث نظریات برخی دیگر از صاحب نظران دوران پایانی حکومت صفویان مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. نظرات و دیدگاه‌های علمایی مانند: شیخ الاسلام اصفهان ملامحمدباقر سبزواری صاحب روضة الانوار عباسی، آقا حسین خوانساری صاحب منشآت،

صفویان به دلیل برخورداری از نفوذ اجتماعی و سیاسی و امتیازات اقتصادی از اعضای پر نفوذ جامعه به شمار می‌رفتند. به عنوان نمونه، خواندن خطبه جلوس پادشاه جدید اصولاً بر عهده مقام شیخ الاسلام قرار داشت. اما در آخرین سال‌های حکومت صفوی و به خصوص به دنبال ایجاد مقام ملاباشی، در عمل منصب شیخ الاسلامی تحت الشعاع نفوذ و اعتبار این منصب جدید قرار گرفت و شیخ الاسلام اهمیت پیشین خود را از دست داد.<sup>۳۴</sup> دیگر مناصب کارکردها: زیر نظارت سه منصب ملاباشی، صدر و شیخ الاسلام، مجموعه‌ای از اعضای رده پایین‌تر هر بخش فعالیت می‌کردند و به این ترتیب یک شبکه گسترده و کارآمد دیوانی را تشکیل می‌دادند که از پایتخت تا دورترین نقاط قلمرو صفویان را تحت پوشش قرار می‌داد و کارکردهایی مانند آنچه در رأس هرم ساختار دیوانی دینی مطرح بود، در مقیاسی محدودتر و کوچکتر ارائه می‌کرد. از دید مؤلف، دلیل آنکه «صفوی گری» موفق شد در یک بستر دور و دراز زمانی تأثیری ژرف در جان قوم و جامعه ایرانی برجای گذارد. فعالیت همین شبکه بود. این رویداد از یک سو بر تجربه کشورداری ساختار دینی افزود، اما از سوی دیگر سبب ایجاد خطرانی برای آن گردید و در عین حال تجربه‌ای جدید در تاریخ تشیع اثنی عشری بود.

#### فصل پنجم: ساختار اندیشه‌ای، کارکردها

در این فصل که به عقیده نویسنده جذاب‌ترین بخش بررسی ساختار دینی ایران در دوران صفوی

# به نظر مؤلف، کتاب ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی فراز و نشیب‌های منصب صدارت در مجموعه ساختار دیوانی صفویان و در محدوده ساختار دینی دیوانی، نشان از اهمیت فوق العاده این منصب داشته و در واقع صدارت یکی از مهم‌ترین مناصب ساختار دیوانی دینی محسوب می‌شده است

مشهد و اصفهان و قم هر سه به گرایش اخباری دلبسته بوده و مهم‌ترین مجامع حدیثی شیعه در همین سال‌ها گردآوری و تألیف شده است. گرایش به اندیشه‌های حکیمانه و بیان فعالیت‌های صوفیانه و سلسله مراتب آن از دیگر بخش‌های این قسمت می‌باشد.

کارکردهای بیرونی، جدید الاسلامان: در این بخش کارکرد تبلیغی دعوت دینی که از دیگر کارکردهای ساختار دینی بود، مورد بحث واقع شده است. به دنبال فعالیت‌های غزا و جهاد در آغاز کار صفویان و سپس تکاپوهای بین‌المللی و ارتباطات بازرگانی و تجاری، شمار فراوانی از غیرمسلمانان به دلایل و انگیزه‌های گوناگون در شهرهای عمده ایران مستقر شدند. این استقرار سبب آشنایی صاحبان ادیان و آراء گوناگون با یکدیگر می‌شد که گاه به گفتگوهای دینی و گاه با انگیزه‌های مختلف به تغییر کیش می‌انجامید.

نویسنده در این بحث، پس از بیان دیدگاه مجلسی اول در مورد احکام زمین، موضوع اسلام آوردن گرجیان، یهودیان و ارامنه را در ارتباط با نقش ساختار دینی اواخر عهد صفوی مورد بررسی قرار می‌دهد. از دیدگاه وی، این کار بیشتر از راه تبلیغ، اتخاذ روش‌های خاص سیاسی و اقتصادی از سوی ساختار دینی و سیاسی و همچنین به دلیل ملاحظاتی که جدید الاسلامان در نظر داشته‌اند، صورت می‌پذیرفته است.

## نتیجه:

آخرین بخش کتاب به یک ارزیابی کلی از تاریخ تحولات دینی ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری قمری می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد ویژگی‌های ارائه شده از سوی ساختار سیاسی صفویان و پیامدهای استقرار آنان از دیدگاه‌های گوناگون، ساختار سیاسی و اجتماعی و دینی ایران را نسبت به ادوار پیشین دگرگون ساخت. یک جنبه این تفاوت، تفاوت دو خاستگاه رهبران نظام صفوی بود. این دگرگونی‌ها به ویژه در عرصه ماهیت ساختار سیاسی و ساختار دینی ایران بیشتر چشمگیر بود. ساختار دینی ایران در این دوره، محصول یک تعامل و همکاری متقابل میان

صفویان و علمای اثنی عشری بود که برخی از آنها ایرانی و برخی مهاجران جبل عامل یا بحرین بودند.

بدین ترتیب با استقرار و استمرار ساختار سیاسی صفویان به همراه نهادینه شدن ساختار دینی و در پی آن درگیر شدن اعضای ساختار دینی در امور کشورداری، این موضوع به پدیدار شدن یک ساختار دیوانی دینی با سلسله مراتب خاص خود در ایران عصر صفوی انجامید که اعضای آن عمدتاً منصوب فرمانروایان صفوی بودند. این ساختار دارای کارکردهای متعدد دینی در سطح جامعه و دیوانی بود. از دید مؤلف، مهم‌ترین بخش کارکرد ساختار دینی این دوران در ویژگی‌ها و کارکرد اندیشه‌های قابل پی‌جویی است. مانند ظهور گرایش‌های گوناگون اندیشه‌ای در حوزه فقهی مانند اخباری و اصولی که به تدریج به ویژه در سال‌های پایانی فرمانروایی صفویان به صورت یک موضوع سیاسی و اجتماعی نیز مطرح شد. گرایش به اخباری‌گری به ویژه در سطح رهبران مذهبی به روبرویی با سایر گرایش‌ها نظیر حکمت و تصوف و در نهایت در کنار سایر عوامل به نوعی بحران و عدم توازن فکر معنوی و حتی دینی در این دوران انجامید.

نویسنده در پایان بررسی‌های خویش به این نتیجه می‌رسد که ساختار دینی با وجود فراز و نشیب‌هایی که در طول فرمانروایی صفویان یافته ساختاری کامیاب و نیرومند بود. بدین معنا که کار خویش را ابتدا بسیار پرشور آغاز کرد و در روند تکاپوها رفته رفته به صورت سلسله مراتبی و نهادینه درآمد. این کامیابی و نیرومندی با پشتیبانی همه‌جانبه ساختار سیاسی به دست آمد و سبب ظهور کارکردهای نو در ساختار جدید دینی ایران شد و این کارکردها زمینه را برای پیدایی یک ایران شیعی در شکل فراگیر آن آماده ساخت. در سال‌های پایانی فرمانروایی صفویان این روند با گرایش به سنن و زبان و فرهنگ ایرانی در شکل فارسی‌نویسی متون دینی شکوفایی بیشتری یافت.

صفحات پایانی کتاب با کتاب‌شناسی فهرست

نسخه‌های خطی، منابع چاپی فارسی و عربی، پژوهش‌های فارسی و عربی، مقالات فارسی، کتب و مقالات انگلیسی و سپس فهرست اعلام فارسی و لاتین به پایان می‌رسد.

درخاتمه ضمن ارج گذاری به تلاش مؤلف محترم در انجام چنین پژوهشی که خود مؤید اهمیت والای تاریخ دوران صفویه و لزوم توجه بیشتر به این دوره تاریخی از سوی پژوهشگران ایرانی می‌باشد و ضمن تذکر این نکته که نقد تمامی مطالب کتاب مجال دیگری را می‌طلبد، تنها به ذکر چند نکته بسنده می‌نماید:

کتاب به صورتی نفیس و با قلم درشت و کاملاً خوانا که موجب تسهیل کار خوانندگان می‌شود و تقریباً با کمترین غلط به چاپ رسیده که قابل تقدیر است. توضیحات سودمند مؤلف در بخش یادداشت‌ها که گاه به تفصیل گرائیده، ظاهراً باعث شده که به جای رسم متداول پانوشت در هر صفحه، یادداشت‌ها در پایان هر فصل ارائه شود که این شیوه محسنات و مشکلات خاص خود را داراست.

برای روی جلد کتاب نیز از تصویر سلطان العلماء خلیفه سلطان، اعتمادالدوله دوره صفوی استفاده شده است.

## پی نوشت ها :

۱. صفت گل، منصور، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، رسا، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۶.
۲. همان، صص ۶۳-۶۴.
۳. همان، صص ۸۹-۹۱.
۴. همان، صص ۱۳۱-۱۳۴.
۵. همان، صص ۱۷۴-۱۷۶.
۶. همان، ص ۱۸۶.
۷. همان، صص ۳۱۷-۱۸.
۸. همان، صص ۴۰۷.
۹. همان، صص ۴۲۶-۲۸.
۱۰. همان، صص ۴۳۳-۲۴.
۱۱. همان، ص ۴۵۳.
۱۲. همان، ص ۴۹۵.